



دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۲۸۷

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

ماجرای عجیب توصیه شهید

به مراقبه تاربعین

من از دوستان احمدآقا بودم. خاطرم هست یک روز در این سال‌های آخر، در جایی به من حرفی زد که خیلی عجیب بود:

من یک سَرّ مخفی بین خود و خدا داشتم که کسی از آن خبر نداشت. احمدآقا مخفیانه به من گفت: شما ۲ تا حاجت داری که این ۲ حاجت را از خدا طلب کردی. اینکه خداوند حاجت شما را بدهد یا نه، موقوف کرده به اینکه شما در روز عاشورا مراقبه خوبی از اعمال و نفس خودت داشته باشی یا نه.

من خیلی تعجب کردم. ایشان به من توصیه کرد: اگر می‌خواهی احتیاط کرده باشی، یک روز قبل از عاشورا و یک روز بعد از عاشورا مراقبه خوبی از اعمال داشته باش و مواظب باش غفلتی از شما سر نزنه. بعد ایشان ادامه داد: یکی از این حاجت‌ها را خدا برای این عاشورا روا خواهد کرد به شرط مراقبه. خدا را شکر، من آن سال حال خوبی داشتم. خیلی مراقبت کردم تا گنگاهی از من سر نزنه. محرم آغاز شد در روزهای دهه اول مراقبت خودم را بیشتر کردم. در روز عاشورا و روز بعدش خیلی مراقب بودم که خطایی از من سر نزنه. بعد از ۲-۳ روز احمدآقا من را در مسجد امین‌الدوله دید و طبق آن اخلاقی که داشت، دستم را فشار داد و به من گفت: بارکالله وظیفه‌ات را خوب انجام دادی. خداوند یکی از آن حاجت‌هایت را به تو می‌دهد. بعد به من گفت: می‌خواهی بگویم چه حاجتی داری؟ من از روی اعتمادی که به او داشتم، و از شدت علاقه‌ای که به ایشان داشتم گفتم: نه! نیازی نیست. چند روز بعد، حاجت اول من روا شد. گذشت تا ایام اربعین. ایشان مجدداً به من گفت: خداوند می‌خواهد حاجت دوم را به شما بدهد. منتها منتظر است ببیند در اربعین چگونه از اعمال مراقبت می‌کنی.

من باز هم خیلی مراقب بودم تا روز اربعین اما در روز اربعین، یک اشتباهی از من سر زد. آن هم این بود که یک شخصی شروع کرد به غیبت کردن من و آنجا وظیفه داشتم جلوی این حرکت زشت را بگیرم. اما به دلیل ملاحظه‌ای که داشتم، چیزی نگفتم و ایستادم و حتی یک مقداری هم خندیدم. خیلی سریع به خودم آمدم و متوجه اشتباهم شدم. بعد از آن خیلی مراقب بودم تا دیگر اشتباهی در اعمالم نباشد. روز بعد از اربعین هم مراقبت خوبی از اعمالم داشتم.

بعد از اربعین به خدمت احمدآقا رسیدم. از ایشان درباره خودم سؤال کردم. گفت: متأسفانه وضعیت شما خوب نیست. خدا آن حاجت را فعلاً به شما نمی‌دهد. بعد با اشاره به مجلس غیبت گفت: نتوانستی آن مراقبه‌ای که باید، داشته باشی!

راوی: محسن نوری /عارفانه
زندگی و خاطرات عارف شهید احمدعلی تبری
نشر امینان – صفحات ۶۸ تا ۷۰

خدمتی به آقای رئیس‌جمهور!

شماگرم می‌خواهید به‌من خدمتی کنید گهگاهی به یادمی‌آورید که من همان محمدعلی رجایی‌فرزند عبدالصمد، اهل قزوینم که قبلاً دوره‌گردی می‌کردم و در آغاز نوجوانی قایلمه و بادیفروش بودم... و هرگاه بدیدید که در من تغییری نبه وجود آمده و ممکن است خودم را فراموش کرده باشم، همان مشخصات را در کنار گوشم زمزمه کنید. این تذکر و یادآوری برای من از خیلی چیزها ارزنده‌تر است.

حسن مسکری‌راد /خاطراتی از شهید رجایی
مؤسسه فرهنگی منادی تربیت –صفحه ۱۲۹

همدلی یا همدردی؟

جرمی ریفتکین در کتاب «یک تمدن همدلانه» توضیح می‌دهد که همدلی عبارت است از اینکه «شاهد ماجرا مایل است برای داشتن احساس مشترک، بخشی از تجربه دیگران را درک کند». برخلاف همدردی که امری انفعالی است، همدلی فعال، متعهد و پویاست. اطلاعات جدید علمی به ما می‌گوید همدلی رفتاری خیلی ظریف نیست که طی بازدهی‌های متعدد از بانک غذا یا هنگام نمایش یک برنامه تلویزیونی متأثرکننده خوندمایی کند، بلکه احساسی است که در مرکزی‌ترین هسته وجودی انسان قرار گرفته است.

از هنگام بحران اقتصادی، نقشی که همدلی در زندگی ما بازی کرده بسیار مهم‌تر شده است. همدلی خصوصی است که اغلب ما اگر قصد شکوفا شدن در قرن بیست‌ویکم را داریم، بدان نیازمندیم. به گفته مارتین لوتر کینگ، «یک فرد، زندگی را آغاز نمی‌کند مگر بتواند از محدوده باریک تعلقات فردی، فراتر رود و به مرز گسترده‌تر تعلقات بشریت برسد».

آریانا هافینگتون / آمریکای جهان‌سومی
اسما اسدی‌پور و رؤیا جبرائیلی
انتشارات خبرگزاری فارس – صفحه ۲۵۷

در دبی درمان!

اگر برای بعضی از دردها درمان‌های متعدد و زیاد تجویز کنند، علامت آن است که این درد بی‌درمان است. من فکره‌امی‌کنم، مغز خودم را داغان می‌کنم، هزار تدبیر به خاخرم می‌رسد، واقعاً هزارها! اما اساسا معنی همه اینها آن است که یک راحل هم به نظرم نمی‌رسد.

آنتوان خخوف / باغ آلبالو
سیمین داشور
انتشارات نیل – صفحات ۳۱ و ۳۲

حضرت امام صادق (ع):

نماز شب، انسان را خوش‌سیم، خوش‌اخلاق و خوشبو می‌کند، روزی را زیاد و بدی را پرداخت می‌نماید، غم و اندوه را از بین می‌برد و چشم را نورانی می‌کند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی



نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيام‌رسان: @vatanemrooz پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام‌چم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



آغاز روایتگری سینمای ایران

از جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی

مهدویان و انیمیشن‌په‌های جن که با زاویه‌ای کودکانه به این رویداد می‌پردازد، نشانه‌هایی از این عزم سینمایی هستند اما موفقیت این آثار به رعایت چند اصل کلیدی بستگی دارد که در این نوشتار بررسی شدند. نخست، وجوه انسانی جنگ ۱۲ روزه قلب تپنده هر روایت سینمایی است. این داستان‌های انسانی، با تمرکز بر احساسات و روابط، می‌توانند آثاری خلق کنند که نه‌تنها ایرانیان، بلکه مخاطبان جهانی را تحت تأثیر قرار دهند. دوم، پیچیدگی‌های ملی این جنگ، از وحدت در برابر دشمن خارجی تا تنش‌های داخلی ناشی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی، بستری غنی برای روایت‌های چندلایه فراهم می‌کند. برخلاف جنگ ۸ ساله که در بستری از همبستگی انقلابی رخ داد، جنگ ۱۲ روزه در جامعه‌های متفاوت و در عصر شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت، که این تفاوت نیازمند رویکردی نو در داستان‌گویی است. دقت تاریخی، از دیگر سو، برای حفظ اعتبار آثار ضروری است. فیلمسازان باید با تکیه بر منابع موثق، از گزارش‌های رسمی تا روایت‌های مردمی، از تحریف پرهیز کنند. تعادل بین درام و واقعیت نیز حیاتی است؛ جنگ ۱۲ روزه با تنش‌های ذاتی‌اش، نیازی به اغراق ندارد، بلکه نیازمند شخصیت‌پردازی عمیق و داستان‌گویی منسجم است. زبان بصری مناسب، از تصاویر ساده و نمادین برای کودکان در انیمیشن تا سبک واقع‌گرایانه برای فیلم‌های داستانی، می‌تواند حس و حال جنگ را به شکلی تأثیرگذار منتقل کند.

در نهایت حساسیت سیاسی این رویداد ایجاب می‌کند فیلمسازان با بی‌طرفی و دقت، روایتی متوازن ارائه دهند که هم افتخارات ملی را ارج نهد و هم چالش‌های داخلی را نادیده نگیرد. سینمای ایران با رعایت این اصول می‌تواند جنگ ۱۲ روزه را از یک رویداد سیاسی به تجربه‌ای سینمایی تبدیل کند که در حافظه جمعی ماندگار شود. این آثار، اگر با عمق و حساسیت ساخته شوند، نه‌تنها تاریخ را جاودانه می‌کنند، بلکه پیامی جهانی از مقاومت، امید و انسانیت را به نسل‌های آینده منتقل خواهند کرد. این مسؤولیت‌سنجین سینمای ایران، فراتر از ثبت یک رویداد، به خلق آثاری معطوف است که بتوانند گفت‌وگوی فرهنگی و تاریخی را در سطح ملی و بین‌المللی رقم بزنند.

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با ویژگی‌های منحصربه‌فردش، از جمله شدت کوتاه‌مدت اما تأثیرات عمیقش بر جامعه، فرصتی است برای بازتعریف نقش سینما در مواجهه با بحران‌های مدرن. فیلمسازان باید از این فرصت برای کاوش در موضوعاتی مانند تأثیر جنگ بر نسل جوان، که در عصر دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی بزرگ شده‌اند، استفاده کنند. روایت‌هایی که به نقش فناوری، از حملات سایبری تا انتشار لحظه‌به‌لحظه اخبار در پلتفرم‌های اجتماعی می‌پردازند، می‌توانند تصویری نو از جنگ ارائه دهند که با تجربه‌های معاصر مخاطبان همخوانی دارد.

علاوه بر این، سینمای ایران می‌تواند با الهام از سنت‌های داستان‌گویی خود، مانند ادبیات عاشورایی و حماسی، روایت‌هایی خلق کند که ارزش‌های فرهنگی و معنوی را با واقعیت‌های خشن جنگ پیوند بزنند. این آثار اگر با جسارت و خلاقیت ساخته شوند، می‌توانند به پلی میان گذشته و آینده تبدیل شوند، جایی که تاریخ نه‌تنها بازگو می‌شود، بلکه به ابزاری برای تأمل، همدلی و آشتی ملی بدل می‌شود. سینمای ایران با این رویکرد می‌تواند جهانی را به تماشای داستان‌هایش دعوت کند.

■ **تمايز با جنگ ۸ ساله: تفاوت در زمان و بافت**
جنگ ۱۲ روزه، برخلاف جنگ ۸ ساله، در چند جنبه کلیدی از جمله مدت زمان و شدت، فناوری و جنگ مدرن و تأثیرات اجتماعی ... متفاوت است. جنبه‌هایی که فیلمسازان باید به آن توجه کنند: جنگ ۸ ساله، درگیری‌ای طولانی و فرسایشی بود اما جنگ ۱۲ روزه با شدت بالا اما مدت کوتاه، بیشتر به یک شوک ناگهانی شبیه بود. این تفاوت، نیازمند زبان بصری و روایی متفاوتی است. فیلمسازان باید از ریتمی سریع و پر تنش استفاده کنند که حس فوریت و اضطراب این ۱۲ روز را منتقل کند. برخلاف جنگ ۸ ساله که عمدتاً در جبهه‌های زمینی رخ داد، جنگ ۱۲ روزه با استفاده گسترده از پهپادها، موشک‌های بالستیک و جنگ سایبری تعریف شد. این جنبه مدرن جنگ، فرصتی برای خلق تصاویر بصری نوآورانه فراهم می‌کند. جنگ ۸ ساله در دورانی رخ داد که رسانه‌ها محدود بودند و روایت‌های رسمی غالب بودند اما جنگ ۱۲روزه در عصر شبکه‌های اجتماعی رخ داد، جایی که هر شهروند می‌توانست روایت خود را منتشر کند. این تفاوت به فیلمسازان اجازه می‌دهد تا به نقش رسانه‌ها و افکار عمومی در شکل‌دهی به درک جنگ بپردازند. داستان‌هایی از روزنامه‌نگاران، فعالان شبکه‌های اجتماعی یا حتی خانواده‌هایی که از طریق اینترنت اخبار جنگ را دنبال می‌کردند، می‌تواند بستری نو برای روایت باشد.

■ **سینما نباید فراموش شود**
جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ایران و اسرائیل فراتر از تنش‌های نظامی و سیاسی، مجموعه‌ای از داستان‌های انسانی است که سینمای ایران می‌تواند با تمرکز بر آنها، آثاری عمیق و تأثیرگذار خلق کند. برای روایت این داستان‌ها، فیلمسازان باید تعادل ظرفی بین درام و واقعیت برقرار کنند و از اغراق‌های کلیشه‌ای پرهیز کنند. دقت تاریخی نیز حیاتی است؛ با تکیه بر منابع موثق، از گزارش‌های رسمی تا روایت‌های مردمی در شبکه‌های اجتماعی، می‌توان روایتی معتبر ارائه داد. زبان بصری مناسب نقش کلیدی دارد؛ انیمیشن می‌تواند با رنگ‌های نمادین و تصاویر ساده، حس جنگ را برای کودکان قابل فهم کند، در حالی که فیلم‌های داستانی باید از سبک واقع‌گرایانه برای انتقال فوریت و واقعیت جنگ بهره ببرند. حساسیت سیاسی این رویداد، که هنوز موضوعی داغ و جنجالی است، ایجاب می‌کند فیلمسازان با موضعی ملی اما همدل با تمام ارکان جامعه عمل کنند تا روایتی متوازن ارائه دهند که هم به افتخارات ملی احترام بگذارد و هم چالش‌های داخلی را نادیده نگیرد.

این رویکرد، با تمرکز بر وجوه انسانی و پرهیز از تحریف، می‌تواند جنگ ۱۲ روزه را به تجربه‌ای سینمایی تبدیل کند که در حافظه جمعی ماندگار شود و نه‌تنها ایرانیان، بلکه مخاطبان جهانی را تحت تأثیر قرار دهد اما این مهم محقق نمی‌شود مگر از طریق فهم زبان سینما، قصه‌گویی و بازنمایی هنری.

■ **سینمای ایران و رسالتی که تاریخ بر دوش گذاشته‌است**
جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل به عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران، فرصتی بی‌نظیر برای سینمای ایران رویکرد، با روایت این رویداد، نه‌تنها لحظه‌ای تاریخی را ثبت کند، بلکه تأملاتی عمیق درباره انسانیت، هویت ملی و پیچیدگی‌های اجتماعی ارائه دهد. سینمای ایران، با پیشینه‌ای غنی در به تصویر کشیدن جنگ، از دفاع مقدس تا روزنامه‌های معاصر، توانایی خلق آثاری را دارد که فراتر از بازتاب‌های صرف واقع، به قلب و ذهن مخاطبان نفوذ کنند. پروژه‌هایی مانند فیلم محمدحسین

■ **وجوه انسانی: قلب تپنده روایت جنگ**
یکی از محوری‌ترین جنبه‌های جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴ که سینمای ایران می‌تواند به آن بپردازد، وجوه انسانی این رویداد است. جنگ‌ها فراتر از آمار تلفات، استراتژی‌های نظامی و مناقشات سیاسی، در هسته خود داستان‌هایی از انسان‌ها هستند؛ انسان‌هایی که در میان آشوب و ناامنی، زندگی، عشق، ترس و امید را تجربه می‌کنند. این وجوه انسانی، از مادرانی که در دل جنگ فرزندان‌شان را در آغوش می‌کشند و با قصه‌گویی یا لالایی آنها را آرام می‌کنند، تا کودکانی که در دنیایی پر از صداهای مهیب و تصاویر ناآشنا، با معصومیت خود به دنبال معنا و امنیت می‌گردند و سربازانی که در لحظه‌های بحرانی با تصمیماتی دشوار میان وظیفه ملی وجدان شخصی و دل‌نگرانی برای خانواده‌های‌شان دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بستری غنی برای روایت‌های سینمایی فراهم می‌کنند. این داستان‌های انسانی که در حاشیه میدان‌های نبرد شکل می‌گیرند، می‌توانند به خلق آثاری منجر شوند که نه‌تنها قلب مخاطب را لمس کنند، بلکه تصویری عمیق و چندلایه از تأثیرات جنگ بر جامعه ارائه دهند. برای مثال، روایت یک کودک که در میان قطعی‌های مکرر، با نقاشی‌هایش جهانی امن برای خود می‌سازد، می‌تواند به خلق صحنه‌هایی تأثیرگذار منجر شود. همچنین داستان سربازانی که در خط مقدم، نه‌تنها با دشمن خارجی، بلکه با تردیدها و ترس‌های درونی خود مبارزه می‌کنند، می‌تواند درامی انسانی خلق کند که فراتر از مرزهای جغرافیایی با مخاطبان جهانی ارتباط برقرار کند. این روایت‌ها با تمرکز بر احساسات، روابط و انتخاب‌های انسانی، می‌توانند جنگ ۱۲ روزه را از یک واقعه سیاسی – نظامی به یک تجربه عمیقاً انسانی تبدیل کنند که در حافظه جمعی ماندگار شود.

■ **پیچیدگی‌های ملی: هویت، مقاومت و تنش‌های داخلی**
جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، برخلاف جنگ ۸ ساله ایران و عراق، در بستری کاملاً متفاوت رخ داد. جنگ ۸ ساله که به دفاع مقدس معروف است، در دهه ۱۳۶۰، زمانی که ایران در حال تثبیت هویت انقلابی خود بود رخ داد. این جنگ به نمادی از وحدت ملی و مقاومت در برابر دشمن خارجی تبدیل شد و سینمای ایران با آثاری چون باشو، غریبه کوچک (۱۳۶۴) و از کرخه تا راین (۱۳۷۴)، این هویت ملی را به زیبایی به تصویر کشید اما جنگ ۱۲ روزه در سال ۱۴۰۴، در کشوری رخ داد که با چالش‌های داخلی متعددی، از مشکلات اقتصادی تا تنش‌های اجتماعی و سیاسی، دست‌وپنجه نرم می‌کند. این پیچیدگی‌های ملی فرصتی بی‌نظیر برای فیلمسازان فراهم می‌کند تا جنگ را نه‌تنها به عنوان یک درگیری خارجی، بلکه به عنوان آینه‌ای از وضعیت جامعه ایران روایت کنند. فیلمسازان می‌توانند با تمرکز بر این تناقض‌ها، داستان‌هایی خلق کنند که هم وحدت ملی را نشان دهند و هم به شکاف‌های اجتماعی بپردازند.

شخصیت‌هایی که در این شرایط، بین وفاداری به کشور و خشم از مشکلات داخلی گرفتارند، می‌توانند به خلق درامی عمیق و چندلایه منجر شوند. محمدحسین مهدویان که با آفرایش توانایی خود در به تصویر کشیدن تنش‌های پشت پرده جنگ ۸ ساله را نشان داده، می‌تواند با رویکردی مشابه به جنگ ۱۲ روزه نزدیک شود. او می‌تواند با تمرکز بر شخصیت‌های واقعی، مانند سربازان، امدادگران یا حتی روزنامه‌نگارانی که در کوران جنگ فعالیت می‌کردند، روایتی خلق کند که هم تاریخی باشد و هم بازتاب‌دهنده پیچیدگی‌های جامعه امروز ایران.

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران در خرداد ۱۴۰۴ به عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع معاصر خاورمیانه، نه‌تنها منطقه را دچار یک جنگ بزرگ تاریخی کرد، بلکه موجی از توجهات فرهنگی و هنری را نیز برانگیخت. کمتر از ۲ ماه از پایان این درگیری، بسینمای ایران با شتابی چشمگیر به سراغ این رویداد رفته است. گزارش‌ها حاکی از آن است محمدحسین مهدویان، کارگردانی که با آثاری چون ایستاده در غبار (۱۳۹۴) و ماجرای نیمروز (۱۳۹۵) به شهرت رسیده، در حال آماده‌سازی فیلمی با عنوان ماجرای نیمه‌شب بر اساس فیلمنامه‌ای از مهدی یزدانی‌خرم درباره این جنگ است. در کنار آن، انیمیشنی با عنوان بچه‌های جنگ در دست تولید است که با زاویه‌ای کودکانه و خلاقانه به این رویداد می‌پردازد. این پروژه‌ها نشانه‌ای از عزم سینمای ایران برای ثبت این لحظه تاریخی در حافظه جمعی است. اما چگونه می‌توان به موضوعی چنین حساس و چندلایه نزدیک شد؟ آیا واکنش زودهنگام به این واقعه فضیلت است یا شتابزدگی؟ چه وجوهی از این جنگ برای روایت دراماتیک اهمیت دارند و چگونه می‌توان تمایز این درگیری کوتاه‌مدت را با جنگ ۸ ساله ایران و عراق به تصویر کشید؟ در این نوشتار با کاوش در این پرسش‌ها، در پی بازایی راه‌های روایت سینمایی جنگ ۱۲ روزه هستیم.

واکنش زودهنگام: فرصت یا تهدید؟

سینمای ایران با سابقه‌ای درخشان در به تصویر کشیدن جنگ، بویژه دفاع‌مقدس، نشان داده توانایی خلق آثاری عمیق و تأثیرگذار را دارد. از دیده‌بان و مهاجر ابراهیم حاتمی‌کیا در دهه ۶۰ تا موقعیت‌مهدی (۱۴۰۰)، این ادعا را اثبات می‌کند که این سینما توانسته تاریخ را با درامی انسانی و قدرتمند پیوند بزند اما جنگ ۱۲ روزه، با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود، چالش‌هایی تازه پیش روی فیلمسازان قرار می‌دهد. این درگیری که با حملات موشکی و پهپادی اسرائیل به تأسیسات نظامی و هسته‌ای ایران آغاز شد و با پاسخ‌های متقابل ایران ادامه یافت، به دلیل نزدیکی زمانی، هنوز در هاله‌ای از ابهام و حساسیت سیاسی قرار دارد. واکنش زودهنگام به چنین رویدادی می‌تواند فرصتی طلایی باشد. فیلم‌هایی که بلافاصله پس از وقایع تاریخی ساخته می‌شوند، می‌توانند حس و حال خام جامعه را به تصویر بکشند. چنانکه آثار اولیه ابراهیم حاتمی‌کیا، رسول ملاقلی‌پور، احمدرضا درویش و... مصادیقی از این آثار هستند. آثار مربوط به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز می‌توانند اضطراب، مقاومت و همبستگی اجتماعی این دوره را جاودانه کنند اما این شتاب می‌تواند به دام ساده‌سازی و شعارزدگی نیز بیفتد. چنانکه حجم انبوه آثار دفاع مقدسی که در ۴۰سال اخیر روی پرده رفته‌اند جز شعار و ساده‌سازی چیز دیگری در چنته نداشته‌اند. برای اجتناب از این دام، فیلمسازان باید با دقت به منابع تاریخی و روایت‌های مردمی رجوع کنند. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه برخلاف جنگ ۸ ساله، درگیری‌ای کوتاه اما پرسش‌د بود که تأثیرات آن نه‌تنها در میدان نبرد، بلکه در زندگی روزمره مردم، از اضطراب‌های شبانه تا قطعی‌های گسترده اینترنت احساس شد. روایت این تأثیرات بویژه از منظر غیرنظامیان، می‌تواند به خلق آثاری منجر شود که نه‌تنها تاریخ را ثبت می‌کنند، بلکه با مخاطب جهانی نیز ارتباط برقرار می‌کنند.

واکنش زودهنگام به چنین رویدادی می‌تواند فرصتی طلایی باشد. فیلم‌هایی که بلافاصله پس از وقایع تاریخی ساخته می‌شوند، می‌توانند حس و حال خام جامعه را به تصویر بکشند. چنانکه آثار اولیه ابراهیم حاتمی‌کیا، رسول ملاقلی‌پور، احمدرضا درویش و... مصادیقی از این آثار هستند. آثار مربوط به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز می‌توانند اضطراب، مقاومت و همبستگی اجتماعی این دوره را جاودانه کنند اما این شتاب می‌تواند به دام ساده‌سازی و شعارزدگی نیز بیفتد. چنانکه حجم انبوه آثار دفاع مقدسی که در ۴۰سال اخیر روی پرده رفته‌اند جز شعار و ساده‌سازی چیز دیگری در چنته نداشته‌اند. برای اجتناب از این دام، فیلمسازان باید با دقت به منابع تاریخی و روایت‌های مردمی رجوع کنند. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه برخلاف جنگ ۸ ساله، درگیری‌ای کوتاه اما پرسش‌د بود که تأثیرات آن نه‌تنها در میدان نبرد، بلکه در زندگی روزمره مردم، از اضطراب‌های شبانه تا قطعی‌های گسترده اینترنت احساس شد. روایت این تأثیرات بویژه از منظر غیرنظامیان، می‌تواند به خلق آثاری منجر شود که نه‌تنها تاریخ را ثبت می‌کنند، بلکه با مخاطب جهانی نیز ارتباط برقرار می‌کنند.

۱- شاید در برخورد اول نام فیلم «زندگی چاک» یادآور «مورد عجیب بنجامین باتن»، «مایش ترومن» و «درخشش ابدی یک ذهن پاک» باشد و یا شاید از دیدن شباهت تصادفی یا تعمدی پوستر فیلم با پوستر معروف «فرست گلمپ»، تصور کنیم با جهانی از همان جنس روایت همراه هستیم. ۲- در ۳ فیلم اول با نوعی قصه‌گویی سر و کار داریم که ضمن گسترش ابعاد روایی، پیام‌هایی را در دل خود جا داده‌اند که فارغ از اینکه با آنها موافق باشیم یا نه، آنقدر ظریف و هوشمندانه به روایت پشت این پیام‌ها پرداخته شده که جذب‌مان می‌کند تا درگیر قصه شویم، سرنوشت شخصیت‌هایش برای‌مان مهم باشد، دوست داشته باشیم بداییم آخر همه این اتفاقات، داستان به کجا ختم می‌شود و آن



په‌راد رشوند

نگاهی به فیلم جدید «زندگی چاک»

اشاعه موعظه



پیامی می‌شوند که بیش از آنکه قابل تأمل باشد، رنگ شعار می‌گیرد. کارگردان بارها با زوم‌های تدریجی و آهسته روی صورت هر شخصیت که دیالوگ می‌گوید و هر شخصیتی که شنونده‌آن دیالوگ‌هاست، می‌خواهد بگوید باید شیرفهم‌شوی، باید به این نکته دقت کنی، این حرف‌ها مهم‌است، این لحظه

معنا دارد و نباید از این صحنه غافل شوی. ۵-وقتی فیلمساز بیش از تمرکز به روی داستان، بسط دادن منطق دیالوگ‌ها، خلق درست موقعیت‌ها و پرداختن دقیق به شخصیت‌ها، درگیر انتقال پیام می‌شود، نتیجه اینگونه است که با ریتمی کند، موسیقی ملیح و میزانشن‌های ساده تنها می‌خواهد از طریق گوینده نریشن حرف بزند؛ آن وقت به جای آنکه فیلمی سینمایی بسازد، نمایشی ۱۱۰ دقیقه‌ای دارد از گسترش کلیپ‌های معاصر مخاطبان همخوانی دارد. تبلیغاتی و اشاعه شعارهایی زرد که حالا می‌تواند آن را با اسم اثر هنری در زانر فانتزی و با اشاره به نام استیون کینگ، به مخاطب غالب کند. ۶- برای بیننده‌ای که ۳ فیلم اول را دیده و «فرست گلمپ» را بخوبی فهمیده، «زندگی چاک» یک نمایش طولانی از موعظه‌هایی است که نه تمام می‌شوند، نه بداعت سبکی دارند و نه توانایی خاصی در قصه‌پردازی.